

عنوان مقاله:

خوانشی لکانی بر عصیان و مرگ اندیشی در اشعار نصرت رحمانی و هنری چارلز بوکوفسکی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات بین رشته ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، دوره 2، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

مهنوش وحدتی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان های خارجی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

فاضل اسدی امجد - استاد ادبیات انگلیسی، گروه زبان های خارجی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

مقاله حاضر، پژوهشی تطبیقی در باب تبیین علل عصیان و مرگ اندیشی در آثار دو شاعر معاصر، نصرت رحمانی و هنری چارلز بوکوفسکی، به کمک نظریات ژاک لکان در سه ساحت خیالی، نمادین و امر واقع است. هدف تحقیق، ابتدا آشکارسازی این موارد در اشعار آن دو و سپس یافتن دلایل روانی، اجتماعی آن است. یکی از اشکال عصیان گری در آثار این دو شاعر، بیان صریح اعتیاد راویان آن ها به مواد مخدر و الکل است. این عصیان و اعتیاد، راویان را به مرز مرگ، یاس و بدنامی کشانده است و در عین حال هیچ یک از این پیامدها سبب ترک این فانتزی از طرف آن ها نمی شود. درواقع ژوئسانس یا لذتی که با درد و گناه همراه است، آن ها را به سمت مرگ سوق می دهد. با بررسی عصیان گری و مرگ اندیشی در شخصیت های این دو شاعر، درخواستیم یافت که ریشه این معضلات، عواطف سرکوب شده ای است که در نتیجه تقابل سوژه ها با دیگری بزرگ به وجود می آیند. درواقع آن ها اسیر چرخه ای در ساحت نمادین هستند که برای خاتمه دادن به آن چاره ای جز عصیان گری و مرگ اندیشی ندارند. با ورود به امر واقع و درک این فقدان، راویان دچار روان ضربه شده اند و با آرزوی بازگشت به ساحت خیالی مادر، سعی در تسکین آلام خود دارند.

کلمات کلیدی:

ژاک لکان، چارلز بوکوفسکی، نصرت رحمانی، ژوئسانس، فانتزی، دیگری بزرگ، روان ضربه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1618043>

